

هر حادثه‌ای ریشه در حوادث گذشته یعنی تاریخ، دارد و برای فهم بحران سوریه و آثار آن بر پاکستان باید به تاریخ معاصر آن توجه کرد، زیرا بدون آن، نه امکان ایجاد راهبرد وجود دارد نه پیش‌بینی آینده امکانپذیر خواهد بود و کسانی که فرصت کافی برای درک واقعیت‌های تاریخ و روابط بین‌الملل ندارند، به آسانی در دام سازمان‌های تندرو گرفتار خواهند شد.
تروریسم مذهبی در هر جای عالم را نمی‌توان با گفتن این جمله توجیه کرد که «آنان با هدف رسیدن به حوریان بهشتی دست به اقدام می‌زنند» که چنین اعتقادی باعث فریب خوردن‌مان خواهد شد. آنها سختی‌ها را بیضا با اهداف مقدس به جان می‌خرند هر چند کسانی در پس پرده، آنها را تحمیق کرده و از حماقت‌شان بهره‌برداری می‌کنند. هر روز صدها صفحه دروغ از سوی خشونت‌طلبان مذهبی در شبکه‌های اجتماعی به خورد جوانان داده می‌شود و خنثی‌سازی این سیل دروغین تنها با انتشار واقعیت‌ها ممکن خواهد بود. بحران سوریه امروز، مهم‌ترین موضوع جهان اسلام است، اگرچه رسانه‌های ما تحلیل‌های کمی در این مورد ارائه می‌دهند. با اندکی دقت در می‌بایم که بسیاری از این مطالب و تحلیل‌ها از سایر رسانه‌ها- و احیاناً از رسانه‌های خط مقدم جبهه صهیونیسم- کپی‌برداری شده است. دریافت واقعیت حق بنیادین بشر است ولی جوانان مسلمان، به صورت هدایت شده از این حق محرومند و وقتی دانشجویان علوم تجربی، اقتصاد و… در دام تروریسم گرفتار می‌ایند، دلپیش اوضاع روز دنیاست. پاکستان هم مانند سوریه دارای فرهنگ‌های گوناگونی است و تنوع فرهنگ‌ها و شیوه‌های زندگی جامعه این کشور را به گلدسته‌ای زیبا تبدیل کرده است. به لحاظ مذهبی ۶۰ درصد مردم پاکستان بریلوی و ۲۰ درصد دیوبندی هستند که هر چه به لحاظ قهقی مانند بریلوی‌ها، حنفی اما به لحاظ اعتقادی به سلفی‌گری وهابی نزدیک‌ترند و ۱۵ درصد جمعیت پاکستان شیعه و ۵ درصد اقلیت‌های مذهبی غیرمسلمانند. روحانیونی مانند سیداحمد بریلوی و شاه اسماعیل دهلوی نخستین‌بار ترور را به عنوان ابزار رسیدن به اهداف سیاسی مورد بهره‌برداری قرار دادند. زمانی که شهبازه در اشغال انگلیس بود اما پنجاب و بختونخوا در اختیار سیک‌ها بود، سیک‌ها به‌دلیل رفتار خشن پادشاهان گورکانی با مسلمانان رفتار خوبی نداشتند. ۲ شخص مذکور در سفر حج تحت تأثیر وهابیت قرار گرفته و «کتاب التوحید» محمد بن عبدالوهاب را با خود به هندوستان آوردند؛ تحصیلات خود را نیمه‌کاره رها کرده و با برجسته شدن محرموسلطان مسلمانان و بهره‌برداری از آن، تلاش‌های خود را برای ایجاد یک حکومت تکفیری آغاز کردند. این دو مفاهیم بسیار سطحنی کتاب التوحید را در کتاب‌های خود «تقریبه الایمان» و «صراط المستقیم»- که توسط شرکت انگلیسی هند شرقی به چاپ رسید- به مسلمانان ارائه دادند. انگلیسی‌ها دانستند محتوای این کتاب‌ها را می‌توانند به آسانی علیه سیک‌های استقلال‌طلب مورد بهره‌برداری قرار دهند. همان‌گونه که انگلیس برای به زانو در آوردن سلطنت عثمانی موجبات جنگ داخلی را در قلمرو آنها مهیا نمود، در هندوستان نیز خود انگلیسی‌ها به صورت مخفیانه این‌فتنه را پرورش دادند. آنها معتقد بودند اکثریت مسلمانان گرفتار شرک و بدعت هستند و تنها راه نجات، ایجاد تریب وهابی‌گری است و اینگونه بود که انگلیسی‌ها محمل شکست سیک‌ها و ایجاد تفرقه در بین مسلمانان را یافتند. این دو نفر اعمال بزرگانی مانند «شاه ولی‌الله محدث دهلوی»- را - که نذر حضرت فاطمه(س) را در منزل می‌داد- و «شاه عبدالعزیز شکرلی» را -که در مراسم سالگرد «نظام‌الدین اولیاء» شرکت می‌کرد- هم شرک و بدعت خواندند. آنها در قلب حکومت اشغالگر انگلیسی و در مسجد جامع دهلی، برای جنگ با سیک‌ها سربرآزگیری کرده و اندیشه‌های تکفیری خوراچ را تقویت می‌کردند و نیروهای «کمیاتی هند شرقی» با استفاده از اندیشه‌های تکفیری آنها، در قلمرو سیک‌ها پیش‌روی می‌کردن اما کسانی که با عنوان جهاد علیه سیک‌ها اقدام کرده بودند، به جای حمله به سیک‌ها مستقیماً به مناطق پشتون‌نشین - که انگلیسی‌ها آن را یاغستان می‌نامیدند- رفتند و در آنجا سنی‌های میانه‌رو پشتون را تکفیر و قتل‌عام می‌کردند. جنبش سیداحمد بریلوی فرهنگ و اعتقادات پشتون‌ها را رد کرد و برای مدتی توانست حکومتی مانند داعش را تشکیل دهد. آنها زندگی را بر سر سخت کردند و پشتون‌ها به ستوه آمده، سال ۱۸۲۱میلادی با سیک‌ها متحد شدند و سیداحمد بریلوی و شاه اسماعیل را در منطقه «بلاکوت» به قتل رساندند و نظام خشن آنها را نابود کرد و از ادامه بردگی در دست تکفیری‌ها رهایی یافتند اما اندیشه‌های تکفیری ماندگار شد و امروز هم در مناطق پشتون‌نشین و دیگر مناطق پاکستان وجود دارد که البته گاهی افراد و سازمان‌ها و کشورهای، به آن دامن می‌زنند. همین اندیشه‌ها در سال ۱۸۹۱میلادی باعث نسل‌کشی شیعیان هزاره افغانستان به دست «امیر عبدالرحمن» پادشاه افغانستان شد و ۶۰ درصد جمعیت هزاره، از بین رفت و این نخستین نسل‌کشی تاریخ معاصر بود که در نتیجه آن تعدادی از خانواده‌های هزاره به شهر کویت و تعدادی به پاراچنار رفتند. مردم گرم ایجنسی- به مرکزیت پاراچنار- هم که از اینگونه اقدامات فرقه‌پرستانه به ستوه آمده بودند، به هندوستان ملحق شدند و این منطقه تحت حکومت هند بریتانیایی قرار گرفت که به دنبال آن سایر مناطق قبایلی نیز به هندوستان ملحق شدند تا اقتصاد خود را بهبود بخشند. انگلیسی‌ها با استفاده از تجربه فتنه‌انگیزی فرقه‌ای در غرب آسیا، جوامع مسلمان هندوستان را نیز از درون تهی کردند.

جنگ آزادی سال ۱۸۵۷میلادی همه مردم هند علیه استعمار انگلیس، تأثیرات عمیقی بر تاریخ معاصر مسلمانان شهبازه گذاشت، البته در این جنگ مسلمانان نسبت به هندوها، از انسجام بیشتری برخوردار بود. عشق رسول خد(ص) و مکتب عاشورا، عامل این انسجام بود، بنابراین انگلیسی‌ها برای ضربه زدن به این دو نقطه قوت برنامه‌ریزی کردند؛ در نتیجه همین برنامه و به بهانه احیای خلافت بود که در سال ۱۸۰۲میلادی ۱۲ هزار تروریست مسلح وهابی از نجد عربستان به کرپلا حمله کرده و به غارت اموال و کشتار شیعیان پرداخته و ۵ هزار نفر را قتل‌عام کردند. بعد از جنگ آزادی سال ۱۸۵۷میلادی مسلمانان مبارز به اعدام محکوم شدند اما «مولوی قاسم نانوتوی» به دلیل خدمت به آنها، با وجود شرکت در این جنگ، از اعدام معاف شد و چند سال بعد به‌عنوان یکی از بانیان دارالعلوم دیوبند شناخته شد.

در روز میلاد پیامبر، راهپیمایی و به مقدسات شیعه حمله می‌کردند که این حرمت‌شکنی‌ها به جنگ‌های خونینی منجر شد. سال ۱۹۴۴میلادی، گروهی به نام «تنظیم اهل سنت» را در شهر امرتسر ضد شیعه و سنی، تاسیس کردند که در دهه ۱۹۸۰ با عنوان جدید «سپاه صحابه» ظهور کرد. ۲۶ اکتبر ۱۹۴۶ شیخیر احمد عثمانی «جمعیت علمای اسلام» را بنا نهاد که به موازات مسلم‌لیگ عمل می‌کرد؛ جنگ سردی آغاز شد، زیرا علمای تکفیری نظریات جدید محمد علی جناح و تاسیس کشوری مبتنی بر برابری مذهبی همه شهروندان را غلط می‌پنداشتند. علمای تکفیری قبل از استقلال کشور، خواندن نماز بر جنازه شیعیان را حرام اعلام کرده بودند اما شییر احمد عثمانی با وجود داشتن این اندیشه نماز میت بر محمد علی جناح قائم کرد. وقتی از وی در این مورد سؤال شد، وی به یک خواب تمسک کرد و از دادن پاسخ منطقی امتناع کرد. نور الحسن دیوبندی، دوست محمد قریشی، عبدالستار دیوبندی و… فوراً بعد از تأسیس پاکستان در سراسر کشور تجمعات ضد شیعیی برگزار کردند و مردم را به درگیری تحریک کردند و تحت عنوان «مدح صحابه» به مدح یزید پرداختند.

مکتب، برای کسب مقبولیت، داستان‌ها و رؤیاهایی از معجزات و کرامات را به بزرگان خویش نسبت دادند. (ر.ک: سوانح قاسمی، ج ۱، ص ۱۳۲ و ص ۱۲۹) از ارتباط مستقیم با رسول خد(ص) در احوالات بسیاری از علمای دیوبند درج شد و ادعاهای فراوانی مطرح شد که تا امروز ادامه دارد. مولوی «عبدالعزیز» پیش‌نماز «لال مسجد» اسلام‌آباد، برای فریب تروریست‌ها مسلح تحت امر خود گفت: «رسول‌الله(ص) در خواب به من گفته که بعد از شهادت من، به برکت خون من، در پاکستان انقلاب اسلامی برپا خواهد شد». اما بعد از درگیری لباس زنازه به تن کرده و در حال فرار از مسجد به‌دست پلیس دستگیر شد. کرامات جعلی امیر

جماعت تبلیغی «حاجی عبدالوهاب» هم یزید د‌خاص و عام است. آنها با ترویج اینگونه افسانه‌ها می‌خوانند قدسات عالیمناهای دیوبندی را به اعتقاد لاتبعیر عوام تبدیل کنند و عقول را برابند و از آنها در جهت منافع گروهی و حزبی بهره‌برداری کنند. مفتیان دیوبندی بعد از کشف نفث در عربستان رسماً به وهابیت پیوسته و به ربال‌های سعودی دل بستند. ادعاهای عجیب و اعجاز و منضم شدن جسم رسول‌الله(ص) در جسم این آقایان و شهادت درباره ختم نبوت در این مکتب بود که باعث شد «میرزا غلام احمد قادیانی» دکان انکار ختم نبوت و ادامه نبوت را افتتاح کند و مدعی شد او سایه پیامبر(ص) است و در ادامه ادعا کرد وجود کامل، او است. (ر.ک: روحانی خزائن ج ۲۲، حاشیه ص ۱۷۶، همان، ج ۱۶، ص ۱۶۲) قادیانی هم مخالفان خود را به کفر و شرک و انکار قرآن متهم کرد. (ر.ک: همان، ص ۲۲، ص ۱۶۷) کسانی در پاکستان علیه این فتنه قیام کردند که در میان آنها از بزرگان اهل سنت، پیر «مهر علی شاه گلپوری» و از بزرگان شیعه شیخ «علی الحائری لاهوری» نقش مهم‌تری داشتند.

■ **حمله به شیعیان و اهل سنت**

اولین حمله به عزاداری حسینی را طلاب مدرسه تحت امر قاسم نانوتوی انجام دادند و با تشکیل دسته‌های وحشت با حمله به سنی‌های شهر دیوبند - که خاطره شهادی کربلا را گرمی می‌داشتند- از ادامه برگزاری مراسم محرم جلوگیری کردند. از طرفی غلام احمد قادیانی نیز که به بردگی انگلیس مشغول بود، فتوا داد مراسم عزاداری امام حسین(ع) شرکت است. (ر.ک: روحانی خزائن، ج ۱۸، ص ۲۳۳ و ۴۲۲ - ۴۲۸؛ ج ۱۹، ص ۱۹۳ و.) اینگونه بود که بغض اهل بیت به‌صورت سازمان‌یافته در شبهبازه بنیان رواج یافت. دیوبندی‌ها در سال ۱۹۰۶ در لکنئو، در مقابل عزاداری، راهپیمایی «مدح صحابه» به‌راه انداختند اما به‌جای صحابه به مدح دشمنان اهل بیت پرداختند. این راهپیمایی‌ها در ماه محرم فقط جهت شیراز آغاز شده بود که شمعی از آن را در سال‌های اخیر در شهر پاراچنار شاهد بودیم که دیوبندی‌هایی که منکر برگزاری میلاد پیامبر بودند،

تاریخچه فتنه تکفیر و ترور فرقه‌ای در پاکستان

۲ قرن تروریسم در همسایگی

■ **علی مهندس**



بریلوی‌ها منتشر می‌کردند. نوشته‌های «میرزا حیرت دهلوی، عبد الشکور لکهنوی و محمود احمد عباسی» ناصبی‌گری را در جمعیت‌های گسترش داد و بعدها «حسان الهی ظهیر» نقش بنزین بر آتش را ایفا کرد. انقلاب کمونیستی ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ در افغانستان، تروریسم را بیش از گذشته تشدید کرد. سال بعد رژیم کمونیستی، شوروی را به مداخله نظامی در افغانستان فراخواند. افغانستان بی‌ثبات شد و به بهشت سارقان و تروریست‌ها تبدیل شد. احساسات مبتنی بر ضدیت با شیعیان و بریلویان، از زمان امیر عبدالرحمن در افغانستان وجود داشت. در این زمان حاکم پاکستان ژنرال ضیاء الحق بود که مجاهدین افغان را تجهیز و تسلیح می‌کرد. هم‌زمان سا جهاد در افغانستان، ضیاءالحق هم شعار استقرار نظام اسلامی را سر داده بود، بنابراین دیوبندی‌گری تقویت شد و حمایت مالی آمریکا و عربستان اجازه گسترش فعالیت را به علمای تکفیری داد. از طرفی ضیاءالحق دروازه‌های نهادهای دولتی را روی خشونت‌طلبان گشود، صدها روحانی تکفیری در وزارت آموزش و پرورش و دستگاه قضا استخدام شدند و در این نهادهای اولویت به «جماعت اسلامی» و احزاب دیوبندی داده شد.

■ **تکفیری‌ها مخفیانه مشغول**

ذخیره‌سازی تسلیحات هستند تا با فاغلبگیر کردن مردم و نیروهای دولتی، پاکستان را به سوریه‌ای دیگر تبدیل کنند. قدرت‌های جهانی خواهان خلع سلاح هسته‌ای پاکستان، بخواهی به تاریخ جماعت خوراچ غیرمستقیم از این جماعت احمق دارند. بسیار ضروری است چهره واقعی تروریست‌های تکفیری در برابر مردم عیان شود. بدون شک کاری که امروز با رسانه‌های انجام است فر‌دانیاز به سلاح و جنگ خواهد داشت

از این کار آنها پشتیبانی کرد. در این زمان شیعیان کراچی، کویت، پاراچنار و گلگت مورد حملات بسیار سنگین قرار گرفتند. ۵ جولای ۱۹۸۵ تروریست‌های سپاه صحابه به کمک ۲ نفر از پرسنل پلیس، به راهپیمایی شیعیان در کویته حمله کرده و ۲۵ نفر را کشتند. ۲۴ جولای ۱۹۸۷ مجاهدین افغان به پاراچنار حمله کردند که به دلیل رهبری داهیهانه مجاهد کبیر و فرزند امام شهید علامه «سیدعارف حسین حسینی» شکست خوردند اما منجر به شهادت ۱۰۰ نفر از شیعیان شد. در این دهه در سراسر کشور بیش از ۵۰۰ نفر از شیعیان به قتل رسیدند که ۴۰۰ نفر از آنان سال ۱۹۸۸ میلادی در حمله تروریست‌ها به مناطق فی‌دفاع گلگت و بلتستان قربانی شدند. در حالی که اگر این جنایتکاران بعد از خروج شوروی از افغانستان، خلع سلاح می‌شدند، جلوگیری از این کشتار‌ها ممکن می‌شد. بعد از خروج شوروی از افغانستان، کشمیری‌های به ستوه آمده از ظلم هندوستان، تظاهرات کردند. حکومت پاکستان یازماندگان جهاد افغانستان را به کشمیر فرستاد و آنها در کشمیر، مسلمانان محلی را مشرک و کافر خوانده و مزارهای کشمیر را تخریب و منازل سنی‌های بریلوی و شیعیان



را غارت کردند و در آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی گروهک تکفیری سپاه صحابه حملات خونینی را علیه شیعیان ناصبی‌گری را در جمعیت‌های گسترش داد و مجاهدین را در شمال افغانستان محاصره کردند. طالبان به منظور ایجاد انقلاب دیوبندی در پاکستان، گروهک‌های دیوبندی پاکستان را پناه و آموزش دادند که بعد از کشتار شیعیان پاکستان به افغانستان می‌گریختند. صدها پزشک، مهندس و وکیل شیعه به قتل رسیدند، زیر تکفیری‌ها به لطف جهاد افغانستان به سلاح‌های جدید مجهز شدند. حالا دیگر سپاه صحابه جرأت حمله به سنی‌های بریلوی را نیز به دست آورد و نخستین حمله مهم آنها در اکتبر ۲۰۰۱ به قتل علامه سلیم القادری، بنیانگذار جنبش سنی منجر شد و البته اقلیت‌های مذهبی هم مورد حمله قرار گرفتند. در همان سال تروریست‌های این گروهک با حمله به کلیسای سنت دومینیک شهر بهاولپور ۱۸ مسیحی بی‌گناه را کشتند. در اواخر دهه ۱۹۹۰میلادی طالبان افغانستان به اسامه بن لادن، پناه داد و بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ درخواست آمریکا جهت تحویل اسامه را رد کرد و در تاریخ ۷ اکتبر آن سال آمریکا به افغانستان حمله کرد و البته دیگ جوشان انقلاب اجباری تکفیر واژگون شد. مفتی دیوبندی «نظام‌الدین شامزئی» مردم را به شورش دعوت کرد و فتوا داد جهاد بر هر مسلمان واجب است، وی همچنین جنگ طالبان افغانستان را جهاد خواند و مخالفان این فتوای خود را تکفیر کرد. فتوای شامزئی در مناطق قبایلی مورد استقبال قرار گرفت ولی چون مدارس دیوبندی در دیگر مناطق در آن زمان مثل امروز، انبار سلاح و مهمات نداشتند و جنگ با نیروهای دولتی مسلح نبود، این فتوا چندان مؤثر نیفتاد. طالبان افغان سریعاً از آمریکا شکست خورد. بر اساس اعترافات مولوی عبدالعزیز، نیروهای طالبان با لباس مبدل زنازه به پاکستان فرار کردند. سال ۲۰۰۴میلادی ارتش پاکستان عملیات دستگیری فراریان طالبان را در مناطق قبایلی آغاز کرد که باعث تظاهرات و فتوای علمی تکفیری در سراسر پاکستان شد. در این زمان تروریست‌های متاثر از فتوای مفتی شامزئی، در مناطق قبایلی حکومت کوچکی با عنوان «جنبش طالبان پاکستان» ایجاد کرده بودند و بارها به ارتش پاکستان حمله کردند. کشتار شیعیان و بریلوی‌ها با آغاز حملات انتحاری یکی جدیدی به خود گرفت. ۱۱ آوریل ۲۰۰۶ در پی انفجار بمب در اجتماع بریلوی‌های کراچی در نیشتر پارک، ۴۷ نفر از رهبران این فرقه کشته شدند. ۱۲ ژوئن ۲۰۰۹ عالم سنی «سرفراز نعیمی» در حمله انتحاری جان باخت. ۲ جولای ۲۰۱۰میلادی در حمله انتحاری به مزار شیخ علی هجویری معروف به «اتا دربار» در لاهور ۵۰ نفر کشته و ۲۰۰ نفر مجروح شدند. از سال ۲۰۰۰ تاکنون بیش از ۴ هزار شیعه شهید و هزاران نفر زخمی یا معلول شده‌اند. شیعیان پاراچنار، کویته و دیره اسماعیل‌خان، بیش از دیگران صدمه دیده‌اند. حکومت با تکفیری‌ها معاهداتی امضا کرد که به تقویت تکفیر منجر شد. لال مسجد اسلام‌آباد یکی از کانون‌های پرورش جریان‌های تکفیری بود و مولوی عبدالعزیز، امام جماعت این مسجد، با این‌سند که حکومت ضعیف شده، اجرای شریعت طبق قرآنت دیوبندی را مطالبه کرده و عملیات مسلحانه را در پایتخت به راه انداخت. ۳ جولای ۲۰۰۷ حکومت عملیاتی را علیه لال مسجد آغاز کرد و به زنان و کودکان اجازه خروج داد که مولوی عبدالعزیز با استفاده از برقع زنازه از مسجد خارج شد و این مسجد امروز هم کانون تکفیر است. امروز طالبان در پاکستان نیرومندتر از همیشه از اقشار ضعیف عبور کرده و می‌رود تا کشور را وادار به تسلیم کند. به نظر طالبان، اکنون زمان آن است که همه‌بخش‌های زندگی ملی را تحت تأثیر نظریات خود قرار دهد. اهالی ورزش، نهادهای آموزشی، کارکنان بهداشت عمومی، مزارات صوفیان، نیروهای ارتش و سازمان‌های امنیتی، قوه قضائیه و همه بخش‌های زندگی ملی، هدف حملات تروریست‌ها بوده‌اند و حتی

در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۷ نخست‌وزیر پیشین، خانم

بی‌ظنیر بوتو، در راولپندی به قتل رسید. جنگ تحمیل شده از سوی تروریست‌های داخلی و فرامرزی علیه پاراچنار از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲میلادی ادامه یافت. تمام این اقدامات تروریستی تأثیرات عمیقی را بر سمال‌های آتی گذاشت. ۳ مارس ۲۰۰۹ تیم کرکیت سریلانکا هدف حمله قرار گرفت و امکان میزبانی از مسابقات بین‌المللی با برچسب «بدعت» از پاکستان سلب شد. ۱۰ اکتبر همان سال در حمله به قرارگاه مرکزی ارتش (در راولپندی) ۵۵ سرباز و افسر کشته شدند. ۱۰ روز بعد دانشگاه بین‌المللی اسلامی اسلام‌آباد هدف انفجار قرار گرفت. ۲۲ ماه مه ۲۰۱۱ پایگاه هوایی مهران نیروی دریایی ارتش، مورد حمله قرار گرفت و ۱۸ نفر از جمله افسران مستقر کشته شدند و هواپیمای جاسوسی به آتش کشیده شد. ۱۶ آگوست ۲۰۱۲ پایگاه هوایی «کامره» و ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۵ پایگاه هوایی «دبیر» در پیشاور مورد حمله قرار گرفت و به ترتیب ۲ و ۲۹ نفر از نیروهای دولتی کشته شدند. ۱۶ دسامبر ۲۰۱۴ در حمله تروریست‌ها به مدرسه ارتش در پیشاور ۹ معلم، ۳ نفر از پرسنل ارتش و ۱۳۲ دانش‌آموز کشته شدند. ۲۰ ژانویه ۲۰۱۶ در حمله تروریستی به دانشگاه پاخانا در «چارسده» ۲۰ نفر کشته شدند. مارس ۲۰۱۴ دادگاهی در اسلام‌آباد ۸ اگوست ۲۰۱۶ اجتماع وکلا در کویته مورد حمله قرار گرفت و در ۲۴ اکتبر حمله به مرکز آموزش پلیس کویته منجر به کشته شدن ۶۱ نفر از افسران، سربازان و دانشجویان شد. آنچه گذشت نمونه‌ای از حملات تکفیریان و محرک‌ها و آثار آن بود. آنچه مشخص است این است که عدم درک واقعی تکفیری‌گری و عوامل آن در آینه تاریخ و نقش غیرمسئولانه کسانی که مسؤول سذباب تکفیر بودند، به چه فجایعی منجر شده و جامعه پاکستان را در چه باتلاقی فروبرده است. تجمیز مدارس دینی پنجاب و سند به فراتر افتوای مفتی شامزئی ادامه داد و انواع عملیات‌های ارتش- از سال ۲۰۰۷ تا امروز- هیچ تأثیری بر این روند نگذاشته است. چندین بار مواد منفجره مخفی شده در وسایل جماعت تبلیغی منفرج شده که نشان می‌دهد اسلحه و مواد منفجره بلاانقطاع به به سرعت از مناطق قبایلی به شهرها و روستاهای پنجاب و سند در حال انتقال است.

■ **یک نمونه قابل تأمل**

۱۶ ژانویه ۲۰۱۴ انفجاری در دفتر جماعت تبلیغی روی می‌دهد و وقتی نیروهای پلیس سسر می‌رسند و می‌کوشند وارد دفتر شوند، مسؤولان مرکز از ورودشان جلوگیری می‌کنند! بعدها روشن شد مرکز مورد حمله قرار گرفته، بلکه مواد موجود در محل به دلایلی منفرج شده بود و نیروهای امنیتی به این نتیجه رسیدند که مقادیری مواد منفجره در توالت معدوم شده است و مقدار زیادی مواد منفجره نیز از این مرکز کشف و ضبط شد. به هر حال همان‌گونه که می‌دانیم خوراچ تکفیری با استفاده از تروریسم سنتی، دولت به اصطلاح اسلامی عراق و شام را تاسیس کردند دشمنان خارجی و داخلی تکفیری‌گری را از سراسر جهان به سوره تزیق کردند. تعداد کثیری از تکفیری‌های پاکستانی از جمله اعضای گروهک لشکر جهنگوی و… به سوریه رو آوردند و بنا بر برخی گزارش‌ها هزاران نفر از راهای زمینی و هوایی به کشورهای همسایه سوریه و از آنجا به این کشور سرازیر شدند و با شکست زنان‌های پاکستان خود را به سوریه رساندند که عدای هم در سوریه اسیر شدند و اعتراف کردند اعضای گروهک لشکر جهنگوی، شاخه ملک اسحاق معدوم، به دنبال جلسات متعدد با داعش در شهر کویته، به داعش پیوستند که با توجه به این موضوع می‌توان براحتی نتیجه گرفت داعش در درون لایه‌های گروهک‌های تروریستی پاکستان یا حتی به صورت مستقیم وجود دارد و فال است و تروریست‌های تکفیری چیزهای زیادی از بحران سوریه آموخته‌اند. آینده گروه‌های تکفیری بستگی به اقدامات امروز ما دارد. داعش پس از شکست در سوریه و عراق، چشم به پاکستان دوخته است و امروز از طریق افغانستان اسلحه و نیروی انسانی جمع‌آوری می‌کند و از طریق سوریه استفاده می‌کند. در حالی که در سوریه از طریق ترکیه، مصر و ایبئ سلاح و نیروهای انسانی وارد کرده بود، جماعت تبلیغی پاکستان شبکه فعالی گسترده‌ای است که داعش می‌تواند برنامه خود را از این طریق به سراسر کشور برساند و در صورت اشغال پاکستان، به قدرت هسته‌ای مجهز شود که هیچ قدرتی در آن نداشته باشد. در خصوص فعالیت گروه‌های که شبکه‌های اجتماعی نیز اعترافات تروریست‌ها داشت شده «سفی الاسلام خلایقی» در ماه مارس سال ۲۰۱۸ برای گشودن چشمان‌مان کافی است.

اکنون مردم پاکستان باید فرزندان خود را هوشیار کنند و برای رویارویی با تروریست‌ها آماده شوند که اگر داعش حمله‌ور شود ارتش پاکستان به تنهایی قادر به مقابله آنها نخواهد بود. تکفیری‌ها مخفیانه مشغول ذخیره‌سازی تسلیحات هستند تا با فاغلبگیر کردن مردم و نیروهای دولتی، این کشور را به سوریه‌ای دیگر تبدیل کنند. قدرت‌های جهانی خواهان خلع سلاح هسته‌ای پاکستان، بخواهی به تاریخ جماعت خوراچ آگاهند و تجربه خوبی در بهره‌برداری غیرمستقیم از این جماعت احمق دارند. اگر طبق فتوای مفتی شامزئی و اعلان «قتل فی سبیل‌الله» از سوی جماعت اسلامی، جنگ در پاکستان راه بیفتد، از این کشور نیز کلیه‌های ویتنویی از قتل افراد تهیه و به عنوان «فتار ارتش پاکستان با مردم» منتشر خواهند شد (تظنیر آنچه درباره سوریه انجام شد). بنابراین بسیار ضروری است که حملات رسانه‌ای تروریست‌ها و اربابان‌شان پاسخ داده شود و چهره واقعی تروریست‌های تکفیری در برابر مردم عیان شود. بدون شک کل ری که امروز با رسانه قابل انجام است فر‌دانیاز به سلاح و جنگ خواهد داشت.

مترجم: فرحت حسین مهدوی